

نسبت اخلاق و دعوت اسلامی در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خدیجه عالمی^۱

چکیده

وضع اخلاقی جامعه عرب پیش از اسلام تابعی از سنت‌های قبیلگی بود. این امر موجب شکل‌گیری اخلاق منفعت‌طلبانه شد که در قرآن کریم از آن با عنوان حمیت جاهلی تعبیر شده‌است. بر این اساس راهبرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای مقابله با آن وضع، ایجاد شکاف در ساختار جامعه جاهلی و طراحی هنجارهای اجتماعی نوین اسلامی بود. سوال اصلی پژوهش این است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جهت ایجاد هنجارهای نوین اخلاقی از چه راهبردهایی استفاده کرد؟ این پژوهش با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای و رویکرد جامعه‌شناختی نشان داد که رسول خدا برای تضعیف حمیت جاهلی و جایگزینی هنجارهای نوین اخلاقی سه راهبرد فردی، گروهی و مدنی را در پیش گرفت. آن حضرت در مکه از راهبرد فردی و گروهی و در مدینه از شیوه‌های مدنی استفاده کرد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق نبوی، جاهلیت، حمیت جاهلی، دعوت اسلامی، قبیله.

درآمد

منابع تاریخی و حدیثی مدعی تبلور اخلاق در عصر نبوی و شکل‌گیری سیاست‌ورزی اخلاقی در زمان پیامبر ﷺ است. فارغ از دلایل روایی منجر به این مدعا، باید در نظر داشت که از منظر رسول خدا مکارم اخلاق دارای اهمیت بسزایی است؛ دلیل این امر در تفاوت اقتضائات حاکم بر سیره نبوی و نوع بهره‌گیری پیامبر ﷺ از ابزارهای گوناگون برای رسیدن به این هدف است. بهره‌گیری از ابزارهای متفاوت، وابسته به ساختارهای اجتماعی مکه و مدینه بود. از این منظر تفاوت عملکرد رسول الله در مکه و مدینه به چگونگی رویارویی آن حضرت با ساختار اجتماعی مربوط می‌شد و بدون تردید به هدف کلی نبوت ایشان یعنی اکمال مکارم اخلاقی وابسته نبود. بنابراین ماهیت ساختار سیاسی و اجتماعی مکه و مدینه در آستانه ظهور اسلام و ارتباط آن با مباحث اخلاقی بسیار حایز اهمیت است.

در این راستا چگونگی چینش ساختار سیاسی و اجتماعی در مکه و مدینه جالب توجه است. اهمیت نسبت اخلاق به مثابه هدف بعثت و ساختار قدرت در این دو مکان دارای الگوهای متفاوتی است و می‌تواند منشأ این پرسش باشد که نسبت ساختار اجتماعی در مکه و مدینه و الگوی اخلاقی ارائه شده توسط پیامبر ﷺ در این دو مکان از چه تابعی پیروی می‌کند؟ و روابط قدرت در مکه و مدینه چه تأثیری بر الگوی اخلاقی پیامبر ﷺ داشته است؟

پیشینه پژوهش

مقاله «نقش اخلاق نبوی در گسترش دعوت اسلامی» از اداک و سعیدی (۱۳۹۰ش)، جنبه‌های اخلاقی را مد نظر قرار داده و به ساختار قدرت و اقتضائات اجتماعی نپرداخته است. مقاله «مناسبات آزادی و اخلاق در دولت نبوی» نوشته یوسفیان (۱۳۸۹ش) نیز به دلیل بهره‌نگرفتن از منابع دست اول خالی از نگاه محققانه است. مقاله «مبادی اخلاقی بعثت؛ پیش‌فرض‌های اخلاقی پذیرش دعوت پیامبر اکرم ﷺ» از مهجور (۱۴۰۱ش) نیز با وجود استفاده از منابع دست اول به دلیل مفروض گرفتن اخلاق عمومی در میان قبایل، به نتایج قابل‌باور دست نیافته است. از این‌رو مقاله حاضر در پی آن است که با تحلیل ساختار سیاسی و اجتماعی قدرت در مکه و مدینه، الگوی ارتباط اخلاق پیامبرانه را در منطقه حجاز مورد بررسی قرار دهد.

ساختار شیخوخت و دعوت پیامبر اکرم ﷺ

۱- سنت

اولین مؤلفه ساختار اجتماعی جزیره العرب دوره جاهلی، سنت و آداب و رسوم اجتماعی و سیاسی بود. سنت‌های اجتماعی در میان عرب مجموعه‌ای از ذهنیت‌ها و ایده‌هایی بود که ریشه در تاریخ

داشت و در گذر زمان در جامعه عمومیت یافته و مبنای عمل و رفتار قرار گرفته بود. این امر در قرآن به صورت علنی بیان و مورد انتقاد قرار گرفته است. در حقیقت پیوندی بسیار محکم میان سنن و آداب اجتماعی و اخلاق اجتماعی و فردی مشاهده می‌شد. تلفیق این دو مفهوم در میان اعراب، به فلسفه اخلاق نیز منجر شد و توسط شعرای عصر جاهلیت بازتاب یافته است. ظاهراً پیوند آیین و سنن اعراب با اخلاق، رابطه یکسویه بود، به گونه‌ای که اخلاق در بیشتر مواقع ابزار دست سنن قبیلگی بود. در سوره حجرات به شکل طعنه‌آمیز به برتری جایگاه قبیله در تقابل با اخلاق، اشاره شده است. اموری مانند قتل دختران به بهانه‌های واهی و با تأیید اخلاق قبیله‌محورانه انجام می‌گرفت.

با وجود اینکه پیامبر ﷺ تا قبل از رسالت خویش بر اساس مشی رفتار عرب، ملقب به امین بود؛ اما پس از رسالت و آغاز دعوت به شدت طرد شد. تقابل اخلاق و رویکرد رفتار قبیله‌محور، توسط سران قبایل و از طریق عصبیت و روابط قومی و قبیلگی حفظ می‌شد؛ لذا لازم است مولفه دوم از ساختار شیخوخیت مورد بررسی قرار گیرد.

حضرت محمد ﷺ در ترویج دین اسلام نه تنها از ظرفیت‌های موجود در سنت، قبیله، قومیت و کارکردهای مثبت آن استفاده کرد؛ بلکه ظرفیت‌های موجود را به سمت قالب دینی تغییر داد. در برخی موارد رسول اکرم در برابر سنت‌های حاکم بر جزیره العرب ایستادگی کرد. از بارزترین مقاومت پیامبر ﷺ در برابر سنت و آداب و رسوم رایج میان مردم جزیره العرب، مراسم حج و فرهنگ نامگذاری به نام بت‌ها و تثلیث خدایان بود. یکی از سنن جاهلی مردم جزیره العرب، «حمس» بود. آن حضرت این رسم را باطل اعلام کرد (ابن هشام، ۱۳۶۸: ۲۱۱/۱-۲۱۵) و تغییراتی در مناسک حج انجام داد (واقدی، ۱۴۰۹: ۱۱۰۸/۳). همچنین پیامبر اکرم ﷺ نسبت به باطل کردن عقاید و سنت‌های دیگر مانند بحیره، سائبه، وصیله و حام که به غلط در میان مردم رایج بود و توسط عمرو بن لُحی مرسوم شده بود و عرب خود را ملزم به رعایت آنها می‌کرد، اقدام کرد (ابن هشام، ۱۳۶۸: ۹۱/۱-۹۳). بدون شک با پرستش خدایان سه‌گانه (لات، منات، عزی)، نام‌هایی نیز متناسب با فرهنگ دینی در جزیره العرب مرسوم شده بود؛ از این رو با گرایش عرب به دین اسلام، پیامبر ﷺ نام‌های آنان را از عبدالعزی و عبدالکعبه به نام‌هایی مانند عبدالرحمن و عبدالله تغییر داد (ابن سعد، ۱۴۰۵: ۳۶۷/۷). همچنین فرهنگ نامگذاری به برخی اسامی مانند ظالم و غافل که یادآور زشتی‌ها و دشمنی‌ها بود، توسط رسول الله تغییر یافت و نام‌هایی متناسب با فرهنگ اسلامی و صفات متعالی انسانی جایگزین شد (ابن کثیر، ۱۳۹۵: ۳۷۵/۱).

۲- قبیله

قبیله واحد اجتماعی - سیاسی کوچکی بود که از طریق پیوندهای نَسبی میان افراد برقرار بود. وجود عصیت در قبایل، مستلزم قدرت قبیلگی به شکل نظام شیخوخیتی بود. شیخ قبیله در حقیقت نمایانگر فهمی از اخلاق بود که توسط روابط نسبی و سنن قبیلگی احاطه می‌شد. از این رو اخلاق و صفات حسنه همچون شجاعت و بخشندگی، جایگاه ویژه‌ای در تعیین شیخ قبیله بازی می‌کرد. با این همه، اخلاق حسنه باید در چارچوب نظام و سنن قبیلگی و به‌منظور اهداف قبیله مورد استفاده قرار می‌گرفت و جنبه اخلاقی صرف نداشت. چنان‌که وجود روحیه حمیت و تعصب در شیخ قبیله لازمه انسجام و قوام قبیله بود. قرآن کریم نیز به این امر اشاره کرده و آن را حمیت جاهلی نامیده است (فتح/۲۶). همچنین ادبیات شفاهی عرب مملو از ستودن قبیله خود و طعن قبایل دیگر است. این امر به معنای اطاعت افراد از هنجارها و ضوابطی است که بر پایه رابطه دوسویه سنت و اخلاق پایه‌ریزی شده است. تکیه بر قبیله و هویت قومی در برابر اخلاق اجتماعی در حقیقت نشانگر علاقه عرب به ایجاد هویت نسبی بود. این امر به احتمال ریشه در نظام سیاسی حاکم بر مکه نیز داشت. کارکرد هویت قومی و فراگیر شدن تعصبات ناشی از آن حفظ سیادت سران مشرک بر اساس سنت و اخلاق قبیله‌محور بود که حاکمیت سران قبایل را تضمین می‌کرد (وبر، ۱۳۷۴: ۳۴۰-۳۴۱).

در ساختار سیاسی شیخوخیتی، صاحبان قدرت سیادت داشتند و افراد و قبایلی که از قدرت کمتری برخوردار بودند، فرمانبرداری خود را نسبت به قبیله برتر در قالب نظام حلف نشان می‌دادند (ابن هشام، ۱۳۶۸: ۱/۱۴۰). در کسب مناصب حکومتی، خون و شرافت نسبی اهمیت بسیاری داشت. هر یک از سران قوم و قبیله بر اساس مراتب و منزلت خویش می‌توانستند مناصبی داشته باشند؛ چنان‌که پس از مرگ قصی، مناصب در شهر مکه به بنی عبدمناف و بنی عبدالدار تعلق یافت (ابن عبدربه، ۱۹۸۹: ۳/۲۷۷-۲۷۸). در میان سران قریش، بنی عبدالمطلب مناصب رفادت و سقایت را بر عهده داشت (ابن کثیر، ۱۳۹۵: ۱/۱۷۹). بنی امیه نیز صاحب پرچم قریش بود. تراکم قدرت نزد رؤسای قبایل و طوایف، تکبر و غرور صاحبان قدرت را به همراه داشت. ظاهراً در این عرصه، اخلاق به واسطه خون تعریف می‌شد. چنان‌که ولید بن مغیره خود را شایسته نبوت می‌دانست. برخی نیز که در میان قوم خود کهنسال بودند با پیامبر ﷺ معامله می‌کردند تا آنها را در امر نبوت شریک کند (همان، ۱/۳۳۴-۳۳۵).

فهم رابطه اخلاق با ساختار قبیله و نظام شیخوخیت را می‌توان به گونه‌ای دانست که هویت قبیله به‌عنوان هسته اصلی، و اخلاق فرع بر آن بود. این امر در چگونگی طبقه‌بندی نظام اجتماعی قبیله به خوبی نمایان است. قبیله در عصر جاهلی متشکل از طبقه اصیل (متشکل از همه فرزندان اصلی قبیله)، طبقه موالی (که از طریق پیمان به قبیله می‌پیوستند) و طبقه بندگان و بردگان بود (شریف،

۱۹۶۷: ۳۴؛ ضیف، ۱۹۶۰: ۶۷).

کارکرد مثبت سنت تا هنگام حیات ابوطالب که بزرگ بنی هاشم بود، تداوم یافت. مرگ او به معنای دست‌یابی مستقیم سران مشرک به پیامبر ﷺ بود. این مناسبات به مفهوم جدال میان ایدئولوژی قریش با ایدئولوژی مسلمانان به شمار می‌رفت.

رسول خدا با بهره‌گیری از کارکرد مثبت سنت و روابط قبیلگی، در توسعه دین اسلام تلاش کرد. چنان‌که آن حضرت پس از جنگ بدر نظر کسانی را که معتقد به گردن زدن اسیران قریشی بودند، رد کرد و نظر ابوبکر را که فدیة گرفتن از آنها بود، پذیرفت. سپس مالی برای ابوسفیان فرستاده شد تا برای فقیران قریش که مشرک بودند، صرف کند (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۸: ۵۰۵/۲). زمانی که سران قریش در جنگ بدر کشته شدند، قبیلۀ قریش در زمینه مدیریت با خلأ روبه‌رو شد و شهر مکه از جانب مسلمانان مورد تهدید اقتصادی قرار گرفته بود. از این‌رو مشرکانی که به لحاظ اقتصادی توانمند بودند، در رأس قدرت قرار گرفتند. به همین دلیل ابوسفیان ریاست یافت و برنامه‌های تجار و بازرگانان مورد تأیید قرار گرفت و برنامه ابوجهل که از اشرافیت نظامی برخوردار بود به دلیل آنکه باعث از دست رفتن برخی اشراف قریش شده بود، مورد اعتراض واقع شد (عالمی، ۱۳۹۷: ۹۸).

پیامبر اکرم ﷺ در دوره هجرت، قریش را در سرزمین‌های فتح شده مانند یمن، بحرین و خیبر به کار گرفت. به کارگیری افرادی از قریش مانند خالد بن سعید بن عاص در یمن، ابان برادر خالد در بحرین و عمرو بن سعید در خیبر حائز اهمیت است (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۸: ۵۳۹/۲). قریش از اعتبار برخوردار بود و رسول الله جهت سهولت کار و جلوگیری از شورش و مرتد نشدن بومیان منطقه، از قریش استفاده می‌کرد تا از این طریق بزرگان منطقه با قریش همکاری داشته باشند.

سطوح اخلاقی در دعوت پیامبر اکرم ﷺ

از مهمترین رویکردها و برنامه‌های رسول الله توجه به تغییرات فرهنگی بود. آن حضرت پیش از آنکه دیدگاه‌های سیاسی و نظامی خود را به مرحله اجرا بگذارد، تغییر در هنجارها، عقاید و ارزش‌های موجود در مکه را مدنظر قرار داد. در بسیاری موارد در تغییرات ساختاری به‌ویژه فکری و فرهنگی نیاز به بازآموزی و باز تعریف وجود داشت. بازآموزی در امر تبلیغ همواره یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌ها برای انبیاء بود. پیامبر ﷺ در آغاز بعثت، اساس دعوت خود را بر مبنای توحید و خداپرستی قرار داد. مبارزه با شرک برای آن حضرت موضوعیت داشت. این امر در بازآموزی یکتاپرستی و تثبیت آن در دوره مکی حائز اهمیت است.

راهبرد بازآموزی به دنبال بیان بی‌تعصب حقیقت به قصد توجیه عقلی کنش تغییر است. در این راهبرد فرض بر این است که انسان‌ها هنگام مواجهه با بازآموزی و باز تعریف و رفع شبهه، توانایی

تشخیص و تنظیم رفتار خود را خواهند داشت. بازآموزی مبتنی بر این فرض است که تغییر هنگامی روی می‌دهد که افراد الگوهای قدیمی را دگرگون کنند و تعهدات خود را نسبت به روش‌های جدید گسترش دهند. این تغییرات ممکن است در گرایش‌ها، ارزش‌ها، مهارت‌ها و روابط روی دهد. این امر که پیامبر ﷺ راهبرد بازآموزی یکتاپرستی را سرآغاز رسالت خویش قرار داد، حائز اهمیت است. آنچه آن حضرت اتخاذ کرد اصل مشترک در ادیان توحیدی است. رسالت انبیای سلف نیز بر اصل تبلیغ یکتاپرستی استوار بود. مردم جزیره العرب با این امر آشنا بودند. آنان داستان انبیای سلف را کم و بیش می‌دانستند و با اصل یکتاپرستی نیز آگاه بودند. چنان‌که پراکندگی جغرافیایی ادیان مختلف در جزیره العرب گویای این مطلب است (عالمی، ۱۳۹۷: ۱۵۷).

اخلاق در چارچوب سنت نبوی علاوه بر کارکرد ابزارگرایانه، دارای ماهیتی هدفمند بود. از این‌رو مراحل دعوت اسلامی از نگاه پیامبر اکرم ﷺ به گونه‌ای به اجرا درآمد تا با تکیه بر اخلاق، ساختار اجتماعی و سیاسی را تغییر داده و نظمی نوین ایجاد کند. در حقیقت ساختار مورد هدف رسول‌الله تجلی جامعه‌ای صالح با درون مایه اخلاقی بود. دلیل اصلی این گفته، نزول آیات قرآن در مکه و مدینه است. در آیات مکی، تکیه بر مفهوم آخرت مهم است. دلیل این امر وجود ساختار متصلب اجتماعی و سیاسی مکه است. نظام شیخوخیت، رابطه‌ای نزدیک میان اخلاق، نسب و سنت اجتماعی برقرار کرده بود؛ به گونه‌ای که اخلاق اجتماعی فرع بر ساختار قبیله فهم می‌شد. این امر نیازمند تولید نظام اخلاقی بر پایه مفهومی مستقل به نام آخرت بود. اما در شهر یثرب نظام اخلاقی در پیوند با تعهدات اجتماعی و سیاسی بود. لذا در آیات مدنی به دلیل شکل‌گیری جامعه اسلامی، احکام اجتماعی دارای بسامد بیشتری است. بدین ترتیب سه دوره اساسی را می‌توان برای رویکرد ساختارشکنانه رسول خدا تبیین کرد که عبارتند از سطح فردی، سطح گروهی و سطح جامعه.

۱- سطح فردی و بازآموزی تدریجی یکتاپرستی

پیامبر ﷺ به‌عنوان شخصیتی امین و معتبر میان مردم حجاز (ابن سعد، ۱۴۰۵: ۱۵۷/۱) عوامل فکری و فرهنگی را در تغییرات اجتماعی و ساختاری (در سال‌های نخست بعثت) مدّ نظر خویش قرار داد. این اقدام به معنای آگاهی رسول‌الله از شرایط محیطی است. آن حضرت شیوه‌ای را اتخاذ کرد که در یک دوره زمانی کوتاه مدت انجام گرفت. سطح فردی در بازآموزی یکتاپرستی و تولید نظام اخلاقی بر پایه آخرت بر اساس وحی الهی صورت پذیرفت. از این‌رو آیات و سوره‌هایی درباره فقرات اولیه نظام نوین نازل شد. پیامبر ﷺ در سوره مدثر مأمور شد تا از محیط خانه و زندگی خود شروع کند.

در شیوه دعوت فردی تأکید بر تغییر در نگرش و سپس الگوهای رفتاری افراد است. این امر

موجب بروز چالش با نظام اخلاقی قبیله‌محور شد. لذا آگاهی از شرایط محیطی از مهمترین مسائل دعوت فردی بوده‌است (غفاری و لویه، ۱۳۸۴: ۲۰۶). سیاست جذب افراد به‌صورت فردی (ابن اسحاق، ۱۳۹۸: ۱۴۷) و اجتماع آنها در خانه ارقم (حلبی، ۱۴۲۷: ۴۰۳/۱)، نخستین گام پیامبر ﷺ، جهت ایجاد تغییرات ساختاری و اخلاقی در جزیره العرب بود. خانه ارقم واقع در دامنه کوه صفا، هنگامی به‌عنوان مرکز و محل اجتماع مسلمانان انتخاب شد که بر تعداد مسلمانان روز به روز افزوده می‌شد. از آن پس نومسلمانان مورد تعرض و آزار مشرکان مکه قرار گرفتند. تخریب شخصیت مسلمانان و تحقیر آنان از سوی مشرکان، منجر به بروز زد و خورد میان آنها شد. درگیری تعدادی از مسلمانان مانند سعد بن ابی وقاص (طبری، بی‌تا: ۶۲/۲) با مشرکان نمونه‌ای از این موارد است. اگرچه عاملی (۱۳۸۴: ۲۸۸/۱) معتقد است که نقش و اهمیت خانه ارقم آن‌چنانکه مورخان بدان پرداخته‌اند، نبوده با وجود این، اهمیت داشتن محل و مرکزی جهت عبادت مسلمانان قابل درک است.

بدون تردید روش مذکور نتایج مفیدی برای نومسلمانان داشته است. این روش الگویی از نحوه گرایش افراد به اسلام ارائه می‌دهد و نمایانگر چگونگی چرخش تفکر جاهلی به باورهای توحیدی در سطح فردی است. با اتخاذ شیوه دعوت در سطح فردی، از شتاب زدگی در عمل مانند توهین به باور و اندیشه مشرکان خودداری شد. اگرچه پیامبر اکرم ﷺ عدم توانایی بت‌های مشرکان را ترسیم کرد؛ اما پیش از فتح مکه، اقدامی مانند شکستن بت‌های مشرکان از سوی رسول الله و مسلمانان به طور معمول روی نداد. این امر نظم و هماهنگی میان اجتماع کوچک مسلمانان را تقویت کرد. از سوی دیگر با شیوه دعوت در سطح فردی، مشرکان به دلیل عدم آگاهی از ماهیت رویکرد اجتماعی توحید، دلیلی جدی برای درگیری با رسول خدا نداشتند. پیامبر ﷺ با اتخاذ این روش، از ایجاد حساسیت میان مشرکان مکه جلوگیری کرد و موفق به مدیریت گروندگان به دین اسلام و ایجاد هماهنگی، تعامل و تعادل میان آنها شد (عالمی، ۱۳۹۷: ۵۳).

از نتایج روش مذکور نحوه گرایش فردی افراد به دین اسلام و چگونگی پذیرش تفکر توحیدی قابل استنباط است. چنان‌که برخی روایات نشان می‌دهد در مراحل آغازین دعوت، کسب اطلاعات از آنچه پیامبر ﷺ ارائه می‌داد؛ از عوامل گرایش مشرکان به یکتاپرستی و دین اسلام بوده‌است. نمونه بارز آن کنجکاوای عمرو بن عَبَسَه سلمی در باره رسالت رسول الله است. از سویی دیگر نحوه پاسخ‌گویی آن حضرت در توصیف رسالت خویش جالب توجه است. عمرو بن عَبَسَه در این باره می‌گوید: «در گفتگو با پیامبر از وی پرسیدم که چه کاره‌ای؟ گفت: رسول خدا، گفتم: خدا تو را به چه چیز مبعوث کرده است؟ گفت به آنکه خدا بدون هیچ شریکی عبادت شود و خونریزی از میان برود و با خویشاوندان مهربانی شود. گفتم: در این امر چه کسی با تو همداستان است؟ گفت: آزادی و بنده-

ای. گفتیم: دست خویش را بگشا تا با تو بیعت کنم. پس دست خویش را گشوده و بر اسلام بروی بیعت کردم و خود را چهارمین مسلمان می‌دانستم» (یعقوبی، ۱۳۶۲: ۳۷۹/۲).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از طریق شیوه دعوت فردی، مسلمانان را به لحاظ کمی و کیفی برای ورود به مرحله و شیوه دیگر آماده کرد (عالمی، ۱۳۹۷: ۵۴-۵۵). ایشان با جذب فردی برخی افراد صاحب نفوذ، شرایط گرایش عمومی افراد قبایل را به دین اسلام فراهم کرد. چنان‌که جذب ابوذر به دین اسلام، در گرایش قبیله غفار به دین اسلام مؤثر بود (همان). ارتباط پیامبر صلی الله علیه و آله با مردم یثرب نیز در ابتدا با شیوه فردی انجام گرفت. در این میان افرادی مانند سوید بن صامت و ایاس بن معاذ به او پاسخ مثبت دادند. سوید بن صامت پس از بازگشت به یثرب توسط خزرجی‌ها کشته شد و قوم وی گفتند او به خاطر مسلمان شدن کشته شده‌است (ابن کثیر، ۱۳۴۳: ۱۷۳/۲-۱۷۴). بنت الشاطی (۱۳۷۷: ۱۴۰) می‌نویسد: با توجه به مخالفت‌ها و درگیری‌هایی که میان اوس و خزرج وجود داشت و یهودیان به آن دامن می‌زدند، به احتمال خزرجی‌ها چنین پنداشته‌اند که آنچه سوید می‌گوید از شر و حيله یهود است. زیرا یهود خود را اهل کتاب می‌دانستند.

۲- سطح گروهی

۲-۱- دعوت قبایل و یاری طلبیدن

خاتمه یافتن نخستین دوره دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به معنای آن بود که اسلام مسئله‌ای فرا فردی است. از این رو دایره تبلیغ رسالت آن حضرت در سطح گروهی گسترش یافت. در شیوه دعوت گروهی، رسول خدا توسعه بازآموزی یکتاپرستی و تبلیغ دین اسلام را در سطح گسترده یعنی قبیله در پیش گرفت (عالمی، ۱۳۹۷: ۵۶؛ معادخواه، ۱۳۷۷: ۸۰). این شیوه به علت تلافی با اخلاق قبیله-محورانه با دشواری بیشتری همراه شد. تلاش رسول الله در تضعیف خلیقات قبیله‌گرایی بر پایه بیان بی-تعصب حقیقت استوار شد. ظاهراً پیامبر صلی الله علیه و آله به منظور بازآموزی اخلاق یکتاپرستانه به انتقاد از سنت‌ها و روابط اجتماعی مکیان روی آورد. دلیل این امر تضعیف بافت اجتماعی قبیله‌گرایی و ایجاد گونه‌ای نوین از ساختار اخلاق یکتاپرستانه در سطح گروهی بود. از این رو رویکرد رسول خدا بر نفی بت پرستی قرار داشت.

اعلان عمومی، ترتیب مجلس مهمانی و تقاضا و انتخاب یار و مددکار، نشان دهنده اصرار پیامبر صلی الله علیه و آله بر دعوت خویش و تداوم بازآموزی یکتاپرستی و تبلیغ دین اسلام است. تعیین وصی و یاور در شیوه دعوت عمومی، بدان معناست که رسول الله تلاش کرد از یکسو نشان دهد امری را که اتخاذ کرده تداوم دارد و از سوی دیگر یادآور سنتی است که عرب از گذشتگان خود نسبت به انبیاء سلف شنیده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با نشان دادن شباهت رسالت خود به انبیای سلف، درصدد

برآمد تا رسالت خویش و الهی بودن آن را به مشرکان اثبات کند. بدون تردید خط مشی رسول الله در کیفیت دعوت و مراحل مختلف آن به وسیله وحی تعیین می‌شد.

پیامبر ﷺ به منظور ترویج اخلاق یکتاپرستانه، سه محور را در مرحله گروهی مدنظر قرار داد. پرستش خدای واحد و سرزنش بت‌پرستی، تبیین هدف بعثت در راستای ابلاغ یکتاپرستی و نجات در پرتو توحید از جمله مواردی هستند که در این شیوه از سوی رسول خدا مطرح شد (عالمی، ۱۳۹۷: ۵۶). همچنین دعوت مردم یثرب به دین اسلام در سطح گروهی انجام یافت. ایاس بن معاذ که به همراه گروهی از جوانان بنی عبدالاشهل جهت دیدار با پیامبر ﷺ به مکه رفته بودند، مورد خطاب آن حضرت قرار گرفتند که به آنها فرمود: می‌خواهید چیز بهتری از آنچه به جستجوی آن آمده‌اید بیابید؟ سپس آن حضرت رسالت خود را بر آنها عرضه کرد. ایاس بن معاذ که نوجوان بود مسلمان شد و به هنگام بازگشت در جنگ بعثت کشته شد. وی نیز مورد مخالفت قوم خود قرار گرفت (ابن هشام، ۱۳۶۸: ۶۹/۲-۷۰).

با توجه به اینکه آخرین جنگ (بعثت)، میان اوس و خزرج پنج سال پیش از هجرت روی داد، به نظر می‌رسد این هیأت‌ها در سال هشتم تا دهم بعثت به مکه رفتند (بالذری، ۱۹۸۷: ۲۳۸/۱). این امر نشان دهنده سابقه‌ای از ملاقات‌های فردی و مقطعی یثربی‌ها با رسول خدا است که سرانجام در سال دهم بعثت، به شکل گروهی، قوی و پررنگ شد. چنان‌که هنگامی که اسعد بن زراره و ذکوان بن عبد قیس به مکه آمده بودند تا عمره واجب انجام دهند و از قریش کمک بگیرند، عتبه بن ربیع به اسعد بن زراره گفت: محل ما از شما دور است و از طرفی ما اکنون گرفتار کسی هستیم که ادعای پیامبری می‌کند، اسعد از نسب او پرسید. پیامبر ﷺ نیز که از آمدن آنها باخبر شده بود، اسلام را به آنان عرضه داشت. آنها شش تن از قبیله خزرج بودند (ابن سعد، ۱۴۰۵: ۵۹۳/۳). این افراد بعد از بازگشت به یثرب، از رسول خدا خواستند تا کسی را جهت آموزش قرآن و تعلیم دین برای آنها انتخاب و اعزام کند. ابن کثیر (۱۳۹۵: ۱۷۷/۲-۱۸۱) معتقد است مصعب بن عمیر بعد از آن به یثرب اعزام شد. به احتمال خزرجی‌ها با گرایش گروهی به دین اسلام، درصدد ارتقای موقعیت سیاسی و اجتماعی خود در یثرب بودند.

هنگامی که رسول خدا قبایل را به دین اسلام دعوت می‌کرد، برخی با زشت‌ترین واژه‌ها او را رد می‌کردند و می‌گفتند: خانواده و خویشاوندانت تو را بهتر می‌شناسند که از تو پیروی نکردند (حلبی، ۱۴۲۷: ۴/۲). این نشان می‌دهد فقط ترس از قریش مانع ورود دیگران به دین اسلام نبوده‌است؛ بلکه عوامل دیگری هم در این میان دخالت داشت. از سوی دیگر جنبش تبلیغی پیامبر ﷺ و دعوت به دین اسلام و رجوع متعدد آن حضرت به قبایل، نشانگر ضعف و بی‌اعتباری این منطق است که می‌گوید: بر صاحب دعوت است که در خانه خویش بنشیند تا مردم به سراغ او بیایند

(عاملی، ۱۳۸۴: ۱/۴۰۹).

۲-۲- نخبگان و توانمندان قبایل

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دلیل تأثیر نخبگان فرهنگی بر عقاید مردم، آنان را نخستین افراد در دعوت عمومی خود قرار داد. این امر در گرایش مردم به دین اسلام تأثیر گذاشت. چنان‌که گفتگوی رسول الله با سران مشرک در همین راستا انجام گرفت (ابن هشام، ۱۳۶۸: ۱/۳۱۵-۳۱۸). رسول خدا با بهره‌گیری از نفوذ شخصیت‌های مطرح در میان قبایل، به توسعه یکتاپرستی و دین اسلام پرداخت. برخی از این شخصیت‌ها دارای فرهنگ، هنر، حرفه، مهارت و کارآزمودگی بودند. گرایش آنها به دین اسلام می‌توانست در توسعه دین اسلام در جزیره العرب راهگشا باشد؛ چنان‌که می‌توان به شخصیت‌هایی که از سواد خواندن و نوشتن برخوردار بودند، اشاره کرد. ابی بن کعب (ابن سعد، ۱۴۰۵: ۳/۴۹۸) از جمله افرادی است که پس از گرایش به اسلام به دلیل برخورداری از سواد، به نگارش وحی پرداخت و فردی به نام قیس بن سکن مشغول جمع‌آوری قرآن در دوره پیامبر صلی الله علیه و آله شد. و از میان همین قبیله (بنی نجار) شخصی به نام حرام بن ملحان، که در رأس قاریان انصار (هفتاد نفر) قرار داشت، به تعلیم قرآن مشغول شد (همان، ۳/۵۱۳-۵۱۴).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جهت تغییر در فرهنگ و ساختار دینی جامعه مکه، یکی از سرمایه‌های فرهنگی این نظام را که در راستای توجیه نظام منزلتی بود مورد هدف قرار داد. اشراف قبایل، دین را به دلیل اهمیتش در انحصار خود داشتند. آنان مردم را جهت ارتباط با خدا به تبعیت از رسوم و آیینی وادار می‌کردند که خود محافظ و مراقب اجرای آن بودند. به دلیل تأثیرگذاری نخبگان فرهنگی بر عقاید مردم، رسول خدا آنان را نخستین افراد در شیوه دعوت در سطح گروهی، مورد توجه قرار داد. این امر نشانگر آن است که پیامبر صلی الله علیه و آله در امر دعوت به یکتاپرستی، مخاطب‌شناسی را مدنظر قرار داده است. از این‌رو ارتباط آن حضرت با افراد صاحب نفوذ، در گرایش مردم به دین اسلام تأثیر بسزایی داشت.

شعرا نیز به‌عنوان سرآمدان قبایل در جزیره العرب مطرح بودند. شعرا نقش اجتماعی عمده‌ای بر عهده داشتند. قدرت شاعر بر قدرت خطیب فزونی داشت. زیرا شعر با سرعت بیشتری در خاطره‌ها نقش بسته و به دیگران انتشار می‌یافت. از سوی دیگر نوعی ویژگی مافوق طبیعی به همراه نام شاعر ملازم بود. عرب می‌پنداشتند که موجودی نامرئی و نیرومند به نام جن به شاعر الهام می‌بخشد یا حتی درون او حلول می‌کند. از دیدگاه عرب جاهلی، هر شاعر جنّ خاص خود را داشت. سخنان شاعر، خاصه هجاهای او از قدرتی خباثت‌آمیز برخوردار بود و گاه قبایل، شاعران اسیر را دهان‌بند می‌زدند تا شاید از قدرت زبان‌آور سخنانشان رهایی یابند (آذرنوش، ۱۳۸۶: ۶۹). نقش شاعر بسیار

قاطع‌تر از نقش خطیب بود. از این‌رو شاعر خطیب، از امتیاز فراوانی برخوردار می‌شد. نفوذ چنین شخصی، قدرت رئیس قبیله را تحت تأثیر قرار می‌داد. چنان‌که وی ناچار می‌شد مقام ریاست خود را واگذار کند. برخی رؤسای قبایل یا برخی ممدوحین، از طریق اشعار شهرت و افتخار کسب می‌کردند. برخی شاعران، اشعار خود را در معرض فروش قرار نمی‌دادند. همچنین برخی شاعران تنها از بزرگان، شاهان و امیران (آن‌هم از سر غرور) صله می‌پذیرفتند و برخی دیگر از هیچ کس صله دریافت نمی‌کردند (همان، ۶۲-۶۳). بدون تردید گرایش شاعران به دین اسلام تأثیری مثبت در گرایش اقوام آنان به دین اسلام و یکتاپرستی گذاشت. چنان‌که طفیل بن عمرو الدوسی از جمله شاعران دوره پیش از اسلام است که با گرایش او به دین اسلام، قوم او نیز مسلمان شدند (ابن هشام، ۱۳۶۸: ۲۴/۲-۲۵).

۳- سطح جامعه

۳-۱- هجرت و مؤاخات

به نظر می‌رسد نخستین مرحله دعوت در سطح جامعه، با سفر پیامبر ﷺ به طائف آغاز شد. سفر آن حضرت به طائف اگرچه به معنای فشار و سخت‌گیری‌های مکیان نسبت به رسول خدا بود، اما در حقیقت به این مفهوم بود که دین اسلام مسأله‌ای فرافردی و فراگروهی است و باید در سطح جامعه نیز گسترش یابد.

در یثرب نیز هنگامی که اوس و خزرج از درگیری‌های خود با یهود خسته شده بودند و می‌خواستند بر آنها پیشی گیرند، تصمیم گرفتند از دین اسلام حمایت کنند. ساکنان یثرب به لحاظ قومی و قبیله‌ای همگی از اوس و خزرج نبودند؛ بلکه شماری از جهنی‌ها، بلوی‌ها، بنی‌بکری‌ها و دیگران نیز در آنجا ساکن بودند. آنان از منزلت اجتماعی بالایی برخوردار بودند و پس از گرایش به دین اسلام، به لحاظ هم‌پیمانی با اوس و خزرج، انصار نامیده شدند. یهودیان ساکن در یثرب نیز ناآگاهانه انتظار ظهور پیامبر موعود را در دل مردم یثرب ایجاد کرده بودند. از این‌رو زمینه دعوت رسول اکرم در سطح جامعه فراهم بود (عالمی، ۱۳۹۷: ۶۰). به نظر می‌رسد جنگ بعثت (ابن هشام، ۱۳۶۸: ۶۹/۲) از جمله عواملی بود که زمینه توسعه یکتاپرستی و دین اسلام را در سطح جامعه در یثرب فراهم کرد.

دعوت به دین اسلام در سطح جامعه که برای نخستین بار در طائف آغاز شده بود، به معنای واقعی در یثرب امکان‌پذیر شد. رسول اکرم در دعوت مدنی از گونه‌ای اخلاق شهری استفاده کرد که در چارچوب امت واحده بیان شد. در این شیوه از ابزار قرارداد اجتماعی به‌منزله پیوند میان افراد جامعه فراتر از هویت قومی و قبیله‌ای استفاده شد. از این‌رو پیوند مؤاخات میان چهل و پنج تن از

مهاجران و انصار را باید نقطه ورود به مرحله هویت دینی و اخلاقی مستقل از نظام قبیله‌ای عرب دانست (عاملی، ۱۳۸۴: ۵۳۲/۱). پیمان و عقد اخوت نخستین چرخش در ساختار سنتی عرب بود که در مجموعه کوچک نومسلمانان روی داد. وجه ممیزه آن با ساختار پیشین در نوع و محتوای آن است. بدین معنا که حمیت قبیله‌ای جای خود را به برادری دینی داد. از این رو خداوند حمیت پیشین را به حمیت جاهلی تعبیر کرده است (فتح/۲۶).

مؤاخات میان مسلمانان تنها برخاسته از شرایط فعلی مسلمانان نبود، بلکه خداوند نیز توسط وحی بر عقد و برقراری آن در دوره مکی و مدنی تأکید می‌کرد و نتایج آن را اصلاح امور مسلمانان (حجرات/۹-۱۰، بقره/۱۷۸) توسعه برابری، برادری اجتماعی و اقتصادی در راستای تحقق عدالت، رعایت حقوق برادران دینی (آل عمران/۱۰۲-۱۰۳، توبه/۱۱-۱۲) مبارزه با معیارهای قبیله‌ای (حجرات/۴۷) و اجرای احکام الهی (بقره/۱۷۸، احزاب/۴-۵) تفسیر می‌کرد (عاملی، ۱۳۹۷: ۱۲۹).

۲-۳- پیمان‌نامه اجتماعی و امت واحده

هویت‌سازی بر پایه قرارداد اجتماعی و ایجاد اخلاق مدنی، با طرح امت واحده توسط رسول اکرم مورد تأکید قرار گرفت. با اجرای طرح امت واحده در مدینه، تغییر در ترکیب قبیله و قومیت شکل جامع‌تری به خود گرفت. این امر با برقراری پیمان میان ساکنان یثرب امکان‌پذیر شد. در این پیمان رسول خدا به عنوان عالی‌ترین مرجع حاکمیت شناخته شد. مطابق با صحیفه، قبایل یثرب به رسمیت شناخته شدند و استقلال در سنت‌ها و رسوم داخلی آن تضمین شد (عاملی، ۱۳۹۷: ۱۳۶). یکی از رسوم یثرب، ربه بود که بر استقلال در روابط اجتماعی، آداب و رسوم و سنت‌های ویژه هر قبیله نظارت می‌کرد. در واقع اجتماع عشایری اساس روابط و تنظیم‌های شهری در یثرب بود. از این رو پیمان‌نامه مدینه، بر انسجام کلی و استقلال واحدهای تشکیل دهنده امت نیز تأکید داشت. افراد هر قبیله دارای روابط مستحکمی مانند ارث، عاقله و خویشاوندی بودند. از این رو هر یک از قبایل دارای ویژگی‌هایی بودند که آن قبیله را از دیگر قبایل متمایز می‌کرد. آداب و رسوم ویژه نیز از سوی افرادی که بزرگ قبیله بودند اجرا می‌شد. بدین ترتیب همواره شبکه‌ای از پیمان‌ها (هرچند نا استوار) میان عرب و یهودیان یثرب شکل گرفت که عاملی جهت پیوند درونی میان آنها به شمار می‌رفت (احمدالعلی، ۱۳۸۱: ۳۴-۴۰، ۱۶۶-۱۷۰). در چنین شرایطی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توسعه سیره سیاسی خویش را با طرح امت واحده امکان‌پذیر کرد. از این رو با طرح امت واحده در مدینه، گام‌های تغییر در ترکیب قبیله و قومیت (که از همان آغاز بعثت شروع شده بود) شکل جامع‌تری به خود گرفت. این امر با برقراری پیمان میان ساکنان یثرب امکان‌پذیر شد (آذرنوش، ۱۳۸۶: ۵۶).

نصر (۱۳۸۲: ۳۵۹) در این زمینه معتقد است که دو مفهوم ایمان و امت در ارتباط با انسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا امت به‌عنوان گسترده‌ترین مجتمع انسانی است که ارتباط خود را با خداوند از طریق ایمان افراد برقرار می‌کند. این پیوند زمینه‌ساز انسجام و وحدت اسلامی است. اگرچه به استناد نصر در مفهوم امت، ایمان درونی مردم عامل انسجام و وحدت است؛ اما آنچه که پیامبر ﷺ در یثرب مطرح کرد، گسترده‌تر از امت خاص بود. از این رو نه تنها مجموعه مسلمانان، بلکه مجموعه کسانی از مردم یثرب را در بر می‌گرفت که به‌رغم هر گونه ایمانی در این مجموعه قرار می‌گرفتند.

این طرح ویژه با عنوان امت واحده مطرح شد که رسول خدا در آن به‌عنوان مرجع امور شناخته شد و نقش سازماندهی اهداف جامعه را بر عهده گرفت. از این رو با این اقدام، پیامبر ﷺ واژه‌ای را مطرح کرد که مردم جزیره العرب در گذشته با آن آشنا نبودند. این مفهوم در مقابل عصبیت و حمیت جاهلی بود. به عبارتی دیگر، با طرح امت واحده مفهومی قوی تر در برابر مفهوم قدیمی (سنت و عصبیت) ارائه شد که میانی آن را متزلزل می‌کرد (عالمی، ۱۳۹۷: ۱۳۶).

برقراری صحیفه و پیمان، نه تنها مناسبات درون گروهی را انسجام بخشید بلکه به شکل‌گیری مناسبات برون گروهی میان مسلمانان و غیرمسلمانان منجر شد. پیامبر ﷺ ضمن حفظ ترکیب و نظم قبیله‌ای پیشین یثرب، تغییراتی در آن ایجاد کرد. زیرا مسلمانان به این مجموعه اضافه شده بودند. از این رو پیمان نامه مدینه، نخستین اقدام رسول الله در راستای تقویت نظم درونی امت واحده در دوره هجرت به شمار می‌رود (همان).

بر اساس پیمان نامه مدینه، هر قبیله همانند سابق بر رباع خود باقی ماند. پیمان نامه مدینه، سنتی قدیمی در بهره‌گیری از روش‌های اسلامی در حل اختلاف و ناظر به کارکرد مثبت سنت است. چنان که این پیمان نامه به عنوان نمونه‌ای نخستین در تاریخ اسلام از میانجی‌گری و حل اختلاف به شمار می‌رود. برقراری پیمان نامه میان ساکنان یثرب، اقدامی منطقی به شمار می‌آید و همگان به‌طور یکسان از منافع آن بهره‌مند می‌شدند.

پیمان نامه مدینه که متشکل از چهل و هفت بند است، عوامل مختلف نزاع را به شکل دفاعی مورد توجه قرار داده و به‌عنوان پیمان نامه دفاعی یا عدم تعرض تنظیم شده است. در قسمت اول پیمان نامه، مهاجران و مؤمنان یثربی مورد خطاب قرار گرفته‌اند که از بند شماره سوم شروع می‌شود و تا بند شماره بیست و سوم ادامه می‌یابد. بخش دوم، خطاب به یهودیان مدینه است که از بند شماره بیست و چهارم شروع می‌شود و تا بند شماره چهل و هفتم تداوم می‌یابد. در محتوای این بخش، نه تنها یهودیان بلکه سایر غیر مسلمانان نیز مورد خطاب قرار گرفته‌اند (همان، ۱۳۷).

درباره پیمان نامه آنچه اهمیت دارد نقش میانجی‌گری است که پیامبر اکرم ﷺ به‌عنوان

شخص ثالث مسئولیت آن را پذیرفت. این روش در میان مشرکان و یهودیان نیز معمول بود که از روش‌های حکمیت و میانجی‌گری استفاده می‌کردند. پیامبر ﷺ به هنگام مذاکره و طرح پیمان-نامه، با رهبران قبایل مشورت کرد و اعتماد اولیه آنها را بدست آورد و نسبت به شنیدن نیازهای همه قبایل تمایل نشان داد.

مشروعیت پیامبر ﷺ در میانجی‌گری، برخاسته از جایگاهش به‌عنوان نبی و ناظری بی‌طرف و قابل احترام بود. زیرا در سنت میانجی‌گری مواردی مانند شرافت، شرم و حیا و متانت، موقعیت اجتماعی و عقاید مد نظر قرار می‌گرفت. چنانکه رسول خدا بدین لحاظ، در دوره پیش از اسلام نیز میانجی‌گری کرده بود. نقش میانجی‌گری در بند شماره چهل و دوم حاکی از این است هر گاه بین کسانی که تابع این دستور هستند کشتاری روی دهد یا مشاجره‌ای درگیرد که بیم فساد در آن باشد مرجع رسیدگی بر این امور، خدا و محمد ﷺ خواهند بود و خدا ضامن پرهیزکارترین و نیکوکارترین پیروان این سند است (ابن هشام، ۱۳۶۸: ۱۴۷/۲-۱۵۰).

نقش میانجی‌گری پیامبر ﷺ که با تأکید بر رفع اختلافات از طریق رجوع به خدا و رسول، مشخص شده بود؛ نشانگر ترویج خدا محوری از سوی آن حضرت در یثرب است. همچنین از سویی دیگر به معنای لغو شیوه و سنت خونخواهی عرب در دوره پیش از اسلام است. همچنین قرار دادن دو مرجع رسیدگی در حل اختلافات یعنی الله و حضرت محمد ﷺ، به مفهوم گسترش و توسعه سیره اخلاق سیاسی رسول اسلام است. چنان که مفهوم سیاست و دیانت را به یکدیگر پیوند می‌دهد. به عبارتی دیگر پیامبر ﷺ به مردم یثرب هویت گروهی بخشید و در همان حال تفاوت‌های فردی آنها را به رسمیت شناخت. در این پیمان‌نامه حقوق و نیازهای طرفین درگیر، مهمتر از مسئله قدرت تلقی شده؛ چون هدف آن حضرت فرو نشانیدن اختلاف میان اهالی مدینه و ایجاد امنیت بوده است (عالمی، ۱۳۹۷: ۱۴۶).

تفاوت بارزی که میان بازآموزی یکتاپرستی و توسعه دین اسلام در دوره مکی و دوره هجرت وجود داشت آن بود که در دوره مکی هیچ پیمان و تعهدی میان پیامبر اکرم ﷺ و مشرکان وجود نداشت؛ اما توسعه دین اسلام در یثرب همواره با تعهد و پیمان با قبایل مسلمان و غیرمسلمان همراه بود. چنان که رسول اکرم این تعهد و پیمان را به خوبی در میان مردم مدینه و قبایل اطراف آن اجرایی کرد. این تعهد و پیمان صرف نظر از آن بود که فرد متعهد شونده، با اضطرار به دین اسلام تغییر آیین بدهد. چنان که فرد مقابل بدون گرایش به دین اسلام، با پیامبر ﷺ پیمان و معاهده می‌بست و در برخی موارد نیز پس از گرویدن به دین اسلام (همانند قبیله اشجع)، با آن حضرت پیمان برقرار می‌کرد (ابن سعد، ۱۴۰۵: ۳۰۶/۱). این امر نشان دهنده خط مشی سیاسی رسول اکرم در توسعه دین اسلام است.

نتیجه

در سیره اخلاقی حضرت محمد ﷺ، تغییرات ساختاری از جمله تغییر در ارزش‌ها، عقاید و باورهای مردم جزیره العرب مد نظر قرار گرفت. پیامبر ﷺ در مرحله اولیه دعوت، درصدد تبیین یک واقعیت با بهره‌گیری از مؤلفه‌های خرد در سطوح فردی بود. آن حضرت در مرحله دوم بعثت و دعوت عمومی، برنامه‌های خود را در مقیاس فرافردی به مرحله اجرا گذاشت. در این میان چگونگی بهره‌گیری از راهبردهای مذکور از سوی رسول خدا و عکس‌العمل افراد و قبایل در مقابل آن حضرت، حائز اهمیت است. حضرت محمد ﷺ از طریق اتخاذ برنامه‌ها و راهبردهای ویژه، نه تنها نومسلمانان را در مقابل مشرکان حفظ کرد بلکه این امر پایه‌های تغییرات اجتماعی را که آن حضرت در دوره‌های بعدی رسالت خود به مرحله اجرا گذاشت، تقویت کرد. رسول اکرم با بهره‌گیری از راهبرد فردی موفق شد جهت کسب آمادگی و تربیت نیروهای توانمند، فرصت لازم را فراهم کند تا نیروهای مسلمان بتوانند به شکل مؤثری بقای خویش را تضمین کرده و از اهداف تحقق یافته پاسداری کنند. همچنین به‌کارگیری شیوه آرام و تدریجی، یکی از مهمترین مؤلفه‌ها در بازآموزی یکتاپرستی و گسترش دین اسلام از سوی آن حضرت به شمار می‌رفت. رسول اکرم در ارائه مفاهیم و باورهای توحیدی و رفع جهل و غفلت، از شتاب‌زدگی پرهیز کرد. این امر به نومسلمانان فرصت داد تا بر اوضاع اجتماع کوچک خود تسلط داشته باشند. از سویی دیگر آن حضرت جهت حفظ مسلمانان از مستحیل شدن در باورهای مشرکان، از راهبرد ترغیبی بهره گرفت. وی نه تنها با بهره‌گیری از آیات قرآنی، مسلمانان را به صبوری و استقامت فرامی‌خواند بلکه آموزه‌هایی را در ارتباط با تزکیه نفس به آنان آموزش می‌داد. چنان‌که تغییر در باورها، اعتقادات و ترک بت پرستی که در مراحل آغازین بعثت همواره مد نظر رسول اکرم قرار داشت، در راهبرد بازآموزی یکتاپرستی به شکلی کامل به مرحله اجرا درآمد. بازآموزی یکتاپرستی از سوی پیامبر ﷺ به‌عنوان اصل مشترک میان ادیان الهی به شمار می‌رفت. به‌کارگیری راهبردهای مذکور، به تدریج زمینه موفقیت آن حضرت را در جذب افراد به دین اسلام و کسب حمایت عمومی در سال‌های بعدی دعوت فراهم کرد. رویارویی رسول‌الله با مردم و گفتگوی مستقیم با آنان فرصتی فراهم کرد تا برداشتی عمیق و حقیقی از شخصیت رسول اکرم و حقیقت آیین وی داشته باشند. از سوی دیگر می‌توانست شایعات و دروغ پراکنی‌های مغرضانه قریش را که در میان توده‌های مردم، پیامبر ﷺ را ساحر و شاعر معرفی می‌کرد، خنثی کند. رسول اکرم با قرار دادن دو مرجع رسیدگی در حل اختلافات یعنی الله و خودش، به توسعه و گسترش سیره اخلاق اجتماعی خود پرداخت. این امر از طریق طرح امت واحده در یثرب امکان‌پذیر شد. رسول خدا با طرح امت واحده در یثرب، مجموعه‌ای را شکل داد تا از این طریق ترویج دین اسلام در جزیره العرب و حفظ مسلمانان از تهدیدات داخلی و خارجی امکان‌پذیر باشد. سیره اخلاقی پیامبر ﷺ بر اساس

تحلیل رفتارشناسانه، نشانگر تأثیرات عمیق ساختاری رفتار اخلاق‌مدارانه پیامبر ﷺ در تحول نظام شیخوخیت عرب جاهلی است. نظام شیخوخیت بر سه محور سنت، قبیله (بر محور رابطه خونی) و اخلاق قبیله‌گی استوار بود. در حقیقت اخلاق در ساختار قبیله و سنت عرب، کارکرد منفعت‌گرایانه داشت. رسول اکرم به منظور ایجاد تحول در جامعه عرب تلاش کرد، جنبه اخلاقی جامعه عرب را بسط داده و ساختار قبیله را به‌عنوان فرع بر اخلاق اجتماعی بیان کند. بدین منظور رویکرد رسول الله در مکه و مدینه دارای تفاوت‌هایی است. در مکه به دلیل ساختار قدرتمند قباایل، رویکرد فردی و گروهی برای پیشبرد هدف اخلاقی در نظر گرفته شد. اما در مدینه به سبب ساختار نابسامان قباایل، پیامبر ﷺ بر اساس پیوندهای مؤاخات و پیمان‌نامه، برای هنجارهای نوین اجتماعی و اخلاقی به‌مثابه چارچوب امت واحده الگویی جدید ترسیم کرد.

منابع

- ابن اسحاق، محمد (۱۳۹۸ق)، السير و المغازی، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر.
- ابن حجر عسقلانی (۱۳۲۸ق)، الاصابه فی تمیز الصحابه، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- ابن سعد، ابوعبدالله محمد (۱۴۰۵)، طبقات الکبری، بیروت، دار بیروت لطباعه والنشر.
- ابن عبد ربّه اندلسی، احمد بن محمد (۱۹۸۹)، عقد الفرید، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۳۹۵ق)، السیره النبویه، بیروت، دارالمعرفه.
- ابن هشام (۱۳۶۸ش)، السیره النبویه، تصحیح مصطفی سقا، ابراهیم الایاری و عبدالحفیظ شلیبی، قم، انتشارات مصطفوی.
- احمد العلی، صالح (۱۳۸۱ش)، دولت رسول خدا، ترجمه هادی انصاری، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- اداک، صابر و مهین سعیدی، «نقش اخلاق نبوی در گسترش دعوت اسلامی»، فصلنامه مسکویه، سال ۶، ش ۱۹، زمستان ۱۳۹۰، ص ۷-۴.
- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۶ش)، تاریخ زبان و فرهنگ عربی، تهران، سمت.
- بلاذری، احمد بن جابر بن یحیی (۱۹۸۷)، انساب الاشراف، قاهره، دارالمعارف.
- بنت الشاطی (۱۳۷۷ش)، با پیامبر، بی جا، نشر جام.
- حلبی شافعی، علی بن برهان الدین (۱۴۲۷ق)، سیره الحلبیه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- شریف، احمد ابراهیم (۱۹۶۷)، مکّه و المدینه فی الجاهلیه و عصر الرسول، قاهره، دارالفکر العربی.
- ضیف، شوقی (۱۹۶۰)، تاریخ الادب العربی، العصر الجاهلی، قاهره دارالمعارف.
- طبری، محمد بن جریر (بی تا)، تاریخ الامم و الملوک، قاهره، الاستقامه.
- عالمی، خدیجه (۱۳۹۷ش)، رهیافتی نو در تاریخ صدر اسلام، تهران، حکمت معاصر.
- عاملی، جعفر مرتضی (۱۳۸۴ش)، سیرت جاودانه، ترجمه محمد سپهری، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- غفاری، غلامرضا و عادل ابراهیمی لویه (۱۳۸۴ش)، جامعه شناسی تغییرات اجتماعی، تهران، آگرا و لویه.
- معادیخواه، عبدالمجید (۱۳۷۷ش)، تاریخ اسلام: عصر بعثت، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مهجور، علی (۱۴۰۱ش)، «مبادی اخلاقی بعثت؛ پیش فرض های اخلاقی پذیرش دعوت پیامبر اکرم ﷺ»، اخلاق پژوهی، دوره ۵، ش ۱، ص ۷۷-۱۰۰.

- نصر، حسن (۱۳۸۲ش)، جوان مسلمان و دنیای متجدد، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران، فیروزه.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹) مغازی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- وبر، ماکس (۱۳۷۴ش)، اقتصاد و جامعه، ترجمه عباس منوچهری، مهرداد ترابی نژاد و مصطفی عمادزاده، تهران، مولی.
- یعقوبی، احمد بن یعقوب (۱۳۶۲ش)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- یوسفیان، زهرا (۱۳۸۹)، «مناسبات آزادی و اخلاق در دولت نبوی»، مطالعات قرآنی نامه جامعه، ش ۷۸، اسفند، ص ۲۵-۳۱.